

## \* جمعیت کمترانگیزه‌ای بر رشد اقتصادی

پل هریسون

ترجمه ویکتوریا جمالی

سریع جمعیت، به تعداد این گونه افراد ۲۱۰ میلیون نفر افزوده شد. در همین فاصله زمانی با وجود بهبود رژیم نامطلوب تغذیه‌ای به تعداد افرادی که با شکم گرسنه به رختخواب می‌رفتند ۵۰ میلیون نفر دیگر اضافه گردید، و علیرغم تلاشهای فراوانی که به منظور مبارزه با بیسوادی انجام پذیرفت به تعداد اطفالی که نتوانستند به مدارس متوسطه راه یابند ۶۰ میلیون نفر افزوده شد.

کشورهای جهان سوم با موج جدیدی از فقر، گرسنگی و بیسوادی مبارزه نموده و روبرو می‌باشند، محدود کردن رشد جمعیت نه تنها می‌تواند در تمامی زمینه‌های فوق مفید و موثر باشد بلکه می‌تواند باعث پیشرفت وضع اقتصادی نیز بشود. تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در این اصل تغییری زیاد دیده نشد.

اما در سالهای ۱۹۸۰ جهان دچار دگرگونی گردید، رکود تجارتي و قرض و بدهی دامن بسیاری از کشورها را

بحث در مورد ارتباط بین افزایش سریع جمعیت و رکود اقتصادی، بحثی است طولانی و عمیق. موضوع کلی بحث این است که آیا رشد اقتصادی به سبب افزایش سریع جمعیت جهانی دچار وقفه شده است و یا بالعکس روند کند اقتصادی باعث افزایش جمعیت در جهان گردیده است.

مشاهدات سالهای اخیر نشان می‌دهد که رشد کند جمعیت می‌تواند به پیشرفت اقتصادی و توسعه کمک نماید. این نتیجه‌گیری از گزارش وضعیت جمعیت جهانی در سال ۱۹۹۲ که توسط بنیاد جمعیت سازمان ملل (UNFPA) تهیه شده است به دست آمده است.

به عنوان مثال در حالی که در فاصله سالهای ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۵ کشورهای در حال توسعه توانستند میزان جمعیت بسیار فقیر خود را از حد ۵۲ درصد به ۴۴ درصد کاهش دهند، در همان فاصله زمانی به واسطه افزایش

\* Paul Harrison. "Slower Population Growth Stimulates Economic Growth" May - June 1992. World Population News

گرفت، و مطالعات وسیعی توسط بنیاد جمعیت سازمان ملل انجام پذیرفت و از جمله ۸۲ کشور در حال توسعه در این بررسی مورد نظر قرار گرفتند. از مجموع کشورهای مورد بررسی، چهل و یک کشور که دارای رشد جمعیت کندتری بودند موفق گردیدند که درآمد سرانه خود را به طور متوسط سالیانه ۱/۲۵ درصد افزایش دهند، در حالی که چهل و یک کشور باقی مانده که دارای رشد جمعیت بالاتری بودند در همان زمان، درآمد سرانه‌شان به طور متوسط سالیانه ۱/۲۵ درصد تنزل کرده بود. البته اختلافات زیادی در داخل این دو گروه بود ولی کاملاً مشهود گردید که در سالهای ۱۹۸۰ رشد سریع جمعیت یکی از دلایل عمده رکود اقتصادی بوده است.

کنترل جمعیت و یا رشد کند جمعیت به معنی متوقف ساختن افزایش جمعیت نمی‌باشد چون حتی اگر از فردا هر زن فقط دارای دو فرزند باشد، جمعیت جهانی به تعداد سه میلیارد نفر افزایش خواهد یافت و بچه‌هایی که در سالهای افزایش فوق‌العاده جمعیت به دنیا آمده‌اند به نوبه خود دارای فرزند خواهند شد.

رشد جمعیت را نمی‌توان مشابه ماشینی که هر زمان بخواهیم خاموش و روشن نمائیم کنترل نمود، بلکه باید مجموعه شرایطی ایجاد گردد که مردم آزادانه و شخصاً ترجیح دهند که تعداد کمتری فرزند داشته باشند، تجربه نشان داده است که سریع‌ترین شیوه در این راستا، بهبود منابع انسانی از قبیل: پائین آوردن مرگ و میر اطفال، بالا بردن سطح تعلیم و تربیت و به خصوص برای زنان داشتن حقوق مالی و حقوق برابر با مردان و دسترسی آسان به برنامه‌های کنترل خانواده می‌باشد.

بعضی از کشورها مثل: چین، کره، تایلند، تونس، باربادوس در این زمینه‌ها به موفقیت‌های چشم‌گیر دست یافته‌اند، به طور مثال کشور تایلند با وجود درآمد سرانه پائین توانست در دوره ۷۰-۱۹۶۵ الی ۱۹۸۷ تعداد

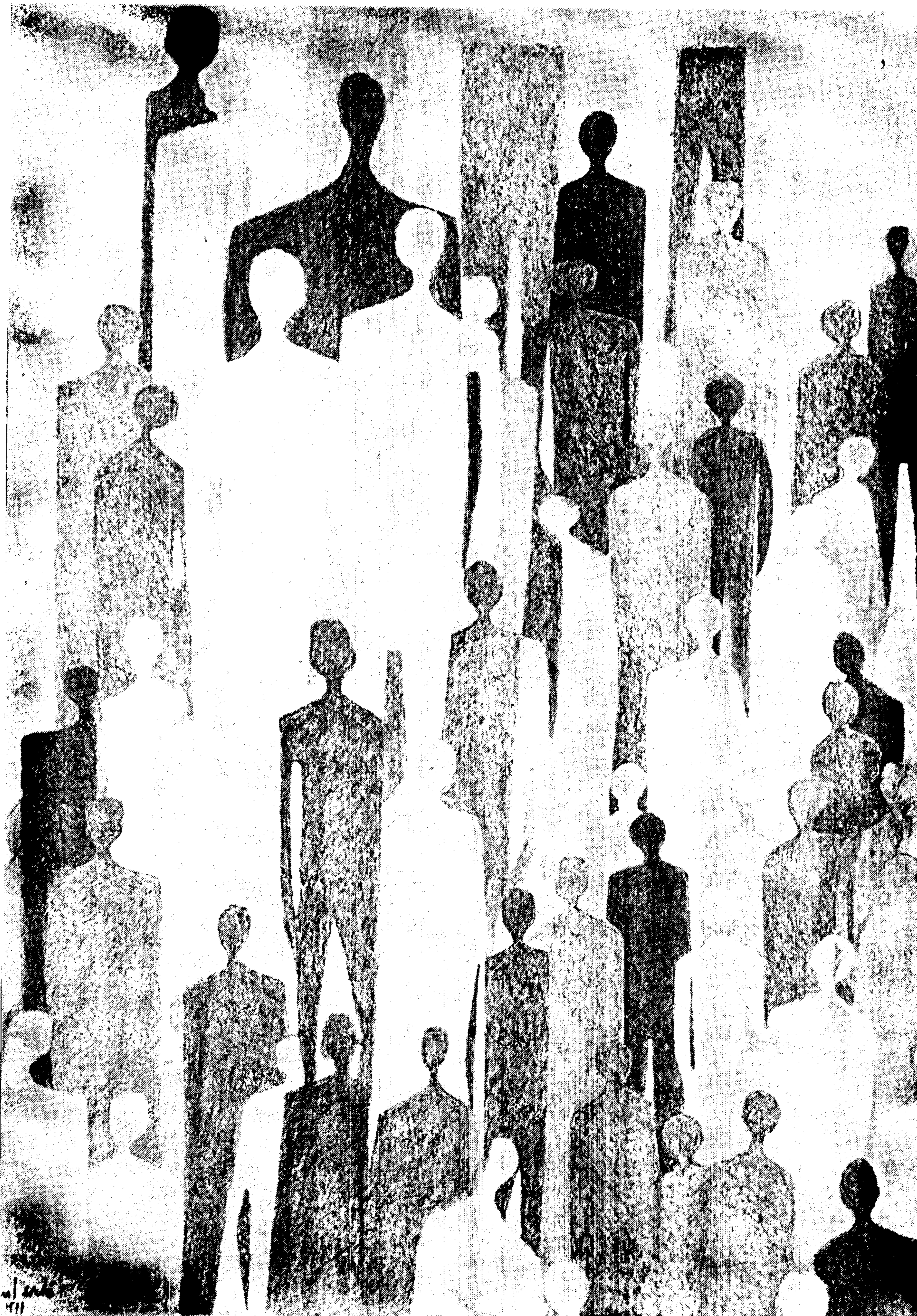
فرزندان هر زن را از ۶/۱ فرزند به ۲/۲ فرزند به طور متوسط تنزل دهد و مرگ و میر اطفال در همین دوره به حد کشورهای اروپایی در دهه ۱۹۶۰ برسد. در حال حاضر نود درصد زنان با سواد و دو سوم خانواده‌ها از روشهای کنترل خانواده استفاده می‌نمایند.

این سؤال مطرح می‌شود که آیا در اثر این تحولات وضع اقتصادی این کشور دچار رکود نگردد؟ جواب این است که نه تنها اجرای برنامه‌های فوق سبب کند شدن رشد اقتصادی این کشور نگردد، بلکه موجبات ترقی چشم‌گیری نیز گردید، چون در همین دوران یعنی ۲۵ سالی که به ۱۹۸۹ خاتمه می‌یابد، درآمد سرانه به طور متوسط سالیانه ۴/۴ درصد افزایش یافت، تولیدات صنعتی آن با رشد متوسطه سالیانه ده درصد پیشرفت نمود و هفتمین کشور موفق در جهان سوم محسوب گردید. پایه‌های این رشد اقتصادی چشم‌گیر بر دوش نیروی کار تربیت شده استوار می‌باشد.

کند کردن رشد جمعیت صرفاً با کنترل کردن آن تحقق نمی‌پذیرد، بلکه می‌باید با ایجاد شرایط مطلوب بهداشت، تعلیم و تربیت، ارتقاء حقوق و شرایط اجتماعی و افزایش زمینه‌های مختلف انتخاب برای زنان، آن را تعمیم داد. این استراتژی که به خودی خود نافذ می‌باشد، به کم کردن فقر و ترقی وضع اقتصادی و محدود کردن تشنجات اجتماعی و فشارهای موجود بر محیط زیست، که پایه‌های اصلی توسعه پایدار است منتهی خواهد شد و می‌بایست در تلاشهای بین‌المللی و ملی در دهه آینده بالاترین جایگاه را به آن اختصاص داد.

چنانچه نتیجه این تلاشها موفقیت‌آمیز باشد می‌توان امیدوار بود که جمعیت جهانی را در حد ۸/۵ میلیارد نفر نگه داشت و در غیر این صورت بایست انتظار داشت، در دوران زندگی نسل جدید، جمعیت جهانی به حد ۱۲/۵ میلیارد نفر برسد، در حقیقت موفقیت ما می‌تواند از

افزایش چهار میلیارد نفر، که برابر جمعیت جهان در سال  
۱۹۷۵ است در ده سال آینده جلوگیری نماید.



طرح از PAUL SICHE CALUERE (مجله پیام).

